

گفت سر که مردم را راه راست نماید و بر مقدار ثواب هم ایشان باشد بی آنکه از ایشان چیزی  
کم شود و هر که مردم را راه بدعت و ضلالت نماید و راه باطن ایشان باشد بی آنکه از ایشان  
چیزی کم شود و لفظ حدیث اینست **أَيُّهَا دُعَاءُ عَالِي الْقَدْرِ فَاتِّبِعْهُ** که اگر از پیشانی آن بگذرد  
بیتقص من ارجو من شيا و اتمام دعاء و عالى الصلاة فاتتبعه من ارجو من شيا و اتمام دعاء و عالى الصلاة فاتتبعه من ارجو من شيا  
**أَوْ رَأَيْتُمْ شَيْئًا يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ** ای آدمی چه فریبقت ترا و دلگردد  
ترا بر بی فرمانی که در پروردگارت **الْكَرِيمِ** چگونه است بر تو چگونه بسیار کرد  
طاعت او را جوید راستی و بی فرمانی که در آن عطا کنست رحمة الله علیه **مَا غَرَّكَ أَيُّهَا قَطَطُ**  
**صَبْرَةَ جَلَلِكِ** ای آدمی چه فریبقت ترا که بریدی از رحمت خدای تعالی و رحمت با او ندانستی  
رحمت پروردگارت **أَسْمَى أَجْمَلُ مَعَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تُطِيعُوا فَمَا صَبْرًا مَعَ مَنْ يُصِيبُ مَعَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ**  
رحمت با خدا تعالی دارد و اگر نتوانید صحبت کسی را در پروردگار با خدا تعالی صحبت بدارد **عَلَيْكُمْ**  
وقتی آیتم **رَبِّ طَلَبِمْ** در وصایایم بی خبر از وصال **سَجْدَةٍ** دردی برابر آن خواهد بود  
شب پروردگارت استخوانی بودیم با حیثی علی ما فرطت فی جنب الله حضرت او شب  
باست و ما شب روزی چهار و شغول خطیب شود و برنده که ما ترا بودیم و با تو بودیم  
تو چرخها را شغول بودی **عَلَيْكُمْ** ای دل عاشق بدام تو رسید ما شغول و تو  
عز و زید دست دل را با حاضر و ناظر می جاهد **بَلْ كُنْ مِنْ تَوَفِّقِي دَلِيلًا** ما حاضر است

انام مقابل گشت و دیگر و عفو خداوند تعالی عن اولی ما برنگوشش معاذ گشت مراد او بر که در سجده  
بیکی خدای تعالی بیشتر بر من و از امر المؤمن علی رضی الله عنه روایت کرده اند که علام خود را آواز  
داد و چند مرتبه **سُبْحَانَكَ** گفت از پرسید که چرا جواب نیکوئی گفت مرا عطا دست برکم  
تو و عفو تو که مرا عفو می ندانم گشت ترا از او که درم چون بر کم من اعطاء که دردی خواهد نمود  
علیه می فرمودند که چون برجت ای پر سپیم امید واری شویم و از و البعد از این سخن را بهی  
یاد دارم **رَبَّاعِي** چه لطف تو این ره که نماید ما را **عَلَيْكُمْ** چه خود تو بر بندگی کشید ما را  
گری می مرد و چگونه طاعت دارم **عَلَيْكُمْ** بی فضل تو کار بر نیاید ما را **الَّذِي خَلَقَكَ أَنْ خَلَقَكَ**  
آفرید ترا **هَسْبُكَ** پس راست که ددت یعنی راست که اندک **عَلَيْكُمْ** همای ترا و عفت اعلام است  
داد **عَلَيْكُمْ** پس برابر گردانیدت یعنی معتدل فرج آفریدت یعنی هر چه با طبع برابر  
کرد و قبل پس راست با که **دَتِ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ وَ كَلَّمَكَ** تا در هر که در هر که شایسته  
که عادت بر من نشاندت یعنی اعضای ترا بر من نشاند از ترکیب بر من نشاندن یعنی آن خدای که  
ترا ساخت کرد در تاریکی شمع ما در روز بهمان و شب یعنی پرده در درون ز بهمان که عالم آدمی  
با و نیز سوز از تو بهر دو جا فرست پس طاعت بود کن و معصیت مکن تا عزیز کردی **كَلَّمَكَ**  
حقانگشت که شای که **يَدُكَ** **تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ** یعنی است که در روزی که میاید  
پس همان روزی که روز قیامت و هر چه میخواهید می کنید و گمانی می برید که شما را حساب نخواهد بود

فرموده اری